

## حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر سید محمد رضا احمدی طباطبائی  
عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

### چکیده:

در ادبیات سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، حقوق و امتیازات اتباع و شهروندان از جایگاهی ممتاز برخوردار است. نگاهی تاریخی به روند تحول و تطور حقوق شهروندی در جوامع بشری از دیرباز تاکنون و بررسی آموزه‌های مکاتب مختلف سیاسی و حقوقی و همچنین ادبیات مذهبی، سیر تحول این مفهوم و شاخص‌ها و مؤلفه‌های جدید آن را در آموزه‌های حقوق و سیاسی جدید، تا حدودی روشن و تبیین می‌نماید. ظهور قوانین اساسی کشورهای غربی که دست آورد مهم تحدید قدرت سیاسی و برچیده شدن یا کم‌رنگ شدن نظام‌های سیاسی خودکامه است نقطه عطف مهمی در نهادینه کردن و به رسمیت شناختن حقوق و امتیازات شهروندی است. در کشور ایران به دنبال انقلاب مشروطه در یکصد سال پیش، در متمم قانون اساسی مشروطه بخش قابل توجهی از حقوق و امتیازات شهروندان مشخص و احصاء گردید. با وقوع انقلاب اسلامی پس از هفت دهه از انقلاب مشروطیت، حقوق و امتیازات اتباع به شکل مبسوط‌تری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین گردید. نگاهی گذرا به سیر تحول امتیازات شهروندان و مآلاً بررسی آموزه‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه مدخلی جهت پرداختن به این مقوله مهم در ساختار حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

کلید واژه: حقوق شهروندی، ایران، قانون اساسی.

**مقدمه:**

یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و حقوق و امتیازات شهروندان است. به دنبال تحولات اجتماعی و انقلابهای سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد. پیدایش مجالس قانونگذاری، تفکیک قوای حکومتی، تحدید قدرت سیاسی و ظهور قوانین اساسی به عنوان میثاقی عمومی میان حاکمیت سیاسی و شهروندان، افق نوینی را در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشود و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولتهای جدید جایگاهی ممتاز یافت. در کشور ایران که یک قرن پیش شاهد انقلاب مشروطه جهت تحدید قدرت سیاسی و احیای حقوق و آزادیهای مشروع مدنی بود، اولین قانون اساسی مدون تنظیم و سپس در متمم آن ابواب بیشتری از جمله در حوزه حقوق و امتیازات شهروندی ملاحظه و تبویب شد. پیدایش دولت مطلقه در عصر پهلوی کارکرد و کارآمدی قانون اساسی را با چالش مواجه ساخت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، دومین قانون اساسی مدون در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در قانون اساسی جدید به منظور نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل آحاد مردم ایران از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون بود، فصل جداگانه و مهمی در نظر گرفته شد. این نوشتار با نگرشی اجمالی به سیر حقوق شهروندی در تاریخ تطور حقوقی و سیاسی و اجتماعی بشر، به بررسی مهمترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی در جامعه ایرانی و اسلامی با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی خواهد پرداخت.

**حقوق شهروندی و تحولات آن**

تاریخ حیات اجتماعی بشر مشحون از تحولات و دگرگونیهای خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی است. تحولاتی که خواسته یا ناخواسته، برنامه‌ریزی شده یا خودجوش، باعث تغییرات شگرف در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی بشر شده است. یکی از راههای صعب‌العبور جهت ایجاد تغییر در روند زندگی اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی آدمیزادگان، انقلاب (Revolution) است. در نظام‌های کهن و باستانی و همچنین در اندیشه‌های کلاسیک سیاسی و اجتماعی، مفهوم انقلاب و حرکتهای شتاب‌آلود و رادیکال به منظور ایجاد تحولات بنیادی در جامعه با مفهوم امروزی آن تفاوت عمده داشت. در گذشته انقلابهای اجتماعی را بدان سبب که باعث برهم خوردن نظم و امنیت و آشوب و هرج و مرج می‌شد با نگرشی بدبینانه مورد ارزیابی قرار می‌دادند. مفهوم سنتی انقلاب در ادبیات سیاسی و اجتماعی، بیش از آنکه با حرکتهای تکاملی و تاریخ‌ساز ارزیابی گردد به عنوان "شورش" و خطری که تهدیدکننده منافع و مصالح عمومی و امنیت اجتماعی بود مورد ملاحظه قرار می‌گرفت.

مطالعه آموزه‌های ارسطو در کتاب مشهور "سیاست" دربارهٔ انقلاب و راه‌های جلوگیری و پیش‌گیری از آن به خوبی مبین چگونگی ارزیابی مفهوم سنتی انقلاب است. وقوع انقلاب‌های مشروطه و تاریخ‌ساز در چند قرن گذشته که دست‌آورد همهٔ آنها، تحدید قدرت سیاسی و تثبیت حقوق و امتیازات شهروندان بود، این برداشت سنتی را به تدریج دچار تحول ساخت. انقلاب فرانسه در قرن هجدهم هر چند در کوتاه مدت با خشونت‌های لجام‌گسیخته مواجه گشت و اهداف آن توسط متفکرانی مانند ادموند برک به چالش کشیده شد اما در شکل‌گیری مفهوم جدید از انقلاب و نگرش به آن تغییر عمده‌ای ایجاد کرد. انقلاب‌های مشروطه در اروپا به ویژه در قرن نوزدهم که به ظهور قوانین اساسی جدید و مشروطه شدن قدرت سیاسی و تثبیت تدریجی حقوق و امتیازات شهروندان منجر شد در تغییر نگرش به مفهوم انقلاب، کارآمد بود. ادبیات چپ نیز که دائماً در نیمه دوم قرن نوزدهم و قرن بیستم بر طبل انقلاب پرولتری می‌کوبید و آیندهٔ بهتری را در پرتو انقلاب سوسیالیستی در نظام‌های سرمایه‌داری نوید می‌داد، در تغییر ذهنیت منفی از مفهوم انقلاب مؤثر واقع شد.

در نیمه دوم قرن بیستم در کشوری باستانی و کهن که دو لایهٔ تمدن اسلامی و ایرانی را در خود مستتر داشت، انقلابی براساس ایجاد تحول در جامعه و در حوزهٔ قدرت سیاسی بر پایهٔ آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفت. به فاصلهٔ نسبتاً کوتاهی، قانون اساسی به عنوان میثاقی عمومی مراحل تدوین و تصویب خود را پشت سر گذاشت. در نظام سیاسی، اجتماعی و حقوقی جدید ایجاد تغییرات در عرصه‌های مختلف عمومی اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و حقوق مدنظر قرار گرفت. هر یک از این تغییرات در جای خود جای نقد و بررسی جداگانه دارد. در این نوشتار فارغ از ابعاد مختلف تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در چند دهه گذشته، تلاش برای تبیین جایگاه حقوق شهروندی به دنبال انقلاب اسلامی بر اساس اصول مدون و مصوب در قانون اساسی است. قانون اساسی مهمترین سند حقوقی در هر نظام سیاسی در جهان معاصر برای تبیین حقوق شهروندی است که این قاعده در مورد نظام اسلامی حاکم بر ایران پس از انقلاب نیز صادق است. البته باید توجه داشت که نفس تنظیم و تصویب مؤلفه‌های حقوق شهروندی در قانون اساسی در تضمین رعایت حقوق شهروندی (به ویژه با ملاحظه موارد استثناء) کافی نخواهد بود و ابزارهای دیگری در پرتو قوانین عادی و نظارت جمعی در تحقق عینی حقوق شهروندی مورد نیاز است.

### آموزه‌های اسلامی و حقوق شهروندی

هر چند مفهوم "حقوق شهروندی" مفهوم و پدیده‌ای جدید در جهان معاصر محسوب می‌شود اما آموزه‌های فلسفی باستان و همچنین آموزه‌های مذهبی ادیان توحیدی مانند مسیحیت و اسلام بر اصالت آن گواهی می‌دهد. نقش آموزه‌های نشأت گرفته از آموزه‌های مذهبی به ویژه در حوزه

حقوق طبیعی و فطری بی گمان در تکوین شاکله نوین این مفهوم در غرب قابل انکار نیست. در آموزه‌های اسلامی به عنوان آخرین، جوان‌ترین و کامل‌ترین دین توحیدی که بر حقانیت رسالت انبیاء سلف نیز مهر تأیید نهاده است رهنمودهای مهم و اندیشه برانگیزی در حوزه حقوق فردی و شهروندی وجود دارد.

پیامبر عظیم‌الشان و وصی و جانشین ایشان یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) همواره منادی و مراعی آن در جامعه اسلامی در آن دوران بوده‌اند. پیامبر اسلام (ص) تکمیل فضایل اخلاقی را انگیزه اصلی بعثت خود شمرده‌اند و فرمودند: «أَنَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

قرآن مجید راه تبلیغ توحید و آموزه‌های دینی را نیز علی‌الاصول مسالمت‌آمیز و منطبق با عقل و منطق و پند و اندرز نیکو می‌داند و می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ».

سیره پیامبر اکرم (ص) نیز به خوبی مبین رعایت حقوق آحاد جامعه و حتی اکرام و بزرگواری و گذشت در مقابل دشمنان و حتی اسیران جنگی است، جنگجویان غیرمسلمانی که خودبانی شورش علیه تبلیغ رسالت الهی بودند. در جریان فتح مکه، پیامبر اسلام (ص) فرمان عفو عمومی نسبت به تمام مردم و دشمنانی که در طول سالیان متمادی مسبب خشونت‌ها و آزارها علیه مسلمانان بودند صادر کرده و فرمودند: «اذْهَبُوا وَأَنْتُمْ الطَّلَاقُ».

حضرت علی (ع) خود الگویی جامع در رعایت حقوق تمام شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان بودند. امیرالمؤمنین (ع) در بخشی از نامه خویش به مالک اشتر نخعی هنگامی که وی را به حکمرانی مصر منصوب نمودند مرقوم نمودند:

«وَأَشْرَقَ قَلْبُكَ الرَّحِمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلِيمًا سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنَّمُ أَكْلَهُمْ، فَانْهَمَّ صَنْفَانَ مَا أَخْلَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ...»

در منابع تاریخی و روایتی نمونه‌های متعددی از رفتار منصفانه و عادلانه آن پیشوای متقیان با اصناف مختلف مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان حتی دشمنان و جنگجویان نا فرمان ذکر شده است. بررسی سیره نبوی و سیره علوی به خوبی نشان می‌دهد که عامل اصلی جذب غیرمسلمانان و پیروان ادیان توحیدی دیگر مانند یهودیان و مسیحیان به اسلام در سیره اخلاقی و رفتار منصفانه و اندیشه برانگیز آن پیشوایان الهی باید جستجو گردد.

### حقوق فردی و حقوق شهروندی در دوران معاصر

حقوق فردی و حقوق شهروندی و مفاهیمی مانند حوزه عمومی و حوزه خصوصی و صیانت از حوزه خصوصی در مقابل قدرت عمومی در دولت مدرن مانند خود مفهوم دولت مدرن پدیده‌ای است که متناسب با تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه بشری به ویژه انقلابهای فکری و اجتماعی در

سده‌های گذشته پیوند خورده است. در جریان جنبش اصلاح مذهبی در غرب، همچنین نگرش‌های جدید به انسان، هستی و جهان به به دنبال رنسانس در اروپا، پیدایش قوانین اساسی جدید به عنوان میثاقی میان قدرت سیاسی و آحاد مردم رami بايست سرلوحه توجه جدی به حقوق فردی و شهروندی در دولت مدرن و در جهان معاصر دانست. نظریه قرارداد اجتماعی که صاحب نظران برجسته‌ای مانند هابز، لاک و روسو با مبانی و نتایج گاه متفاوت مطرح نموده‌اند، علیرغم اختلاف استدلال‌ها و تفاوت نتایج دارای یک وجه مشترک مهم و اساسی بود و آن بنیان نهادن و استوار نمودن قدرت سیاسی بر پایه رضایت و خواست آدمیزادگان یا به تعبیر روسو "اراده عمومی (general will)" بود. آدمی که به تعبیر روسو آزاد آفریده شده است اما همه جا در زنجیر است. نظریه قرارداد اجتماعی به ویژه با تحلیل لاک منجر به استنتاج حکومت دموکراتیک یا مردم‌سالار شد. حکومتی که براساس رضایت و با قدرت مشروط و موقت زمامداران بر پایه تفکیک قوای حکومتی استوار شده است. اندیشه‌های لاک، روسو و منتسکیو (به ویژه در مورد تفکیک قوای حکومتی) همگام با تکوین نخستین قوانین اساسی مدون مانند قانون اساسی آمریکا و قانون اساسی انقلابی فرانسه مورد توجه قرار گرفت و در اعلامیه‌های حقوقی و جهانی نیز مورد امعان نظر واقع شد. مضامین حقوق فردی و امتیازات شهروندی در فضای جدید آرام آرام مورد اقبال کشورهای مختلف قرار گرفت. وقوع انقلابهای مشروطه در اروپا در قرن نوزدهم و سپس سقوط بسیاری از حکومتهای خودکامه در کشورهای در حال توسعه و یا تحت سلطه استعمار، زمینه را برای دفاع عمومی از حقوق شهروندی و صیانت از آزادیهای مدنی و سیاسی و مساوات در مقابل قانون فراهم ساخت. روح حاکم در دفاع از حقوق شهروندی بر این پایه و استدلال استوار شده است که متولیان قدرت، ابزار لازم را برای استیفاء حقوق و مطالبات خود از شهروندان دارا هستند و از طرف دیگر، نفس در اختیار داشتن قدرت و بهانه حفظ مصالح عمومی گاه بستر ورود به حوزه آزادیها و حقوق شهروندان را به سهولت فراهم می‌سازد. دفاع از حقوق فردی و حقوق شهروندی که بر ادبیات سیاسی دو قرن گذشته سایه افکننده در پی ایجاد حصار به دور فرد و مشخص نمودن مرزهای حقوق فردی و شهروندی به منظور پاسداری از آحاد جامعه در مقابل ماشین پر قدرت دولت قرار داشته است. جان استوارت میل در کتاب مشهور خود، به ابعاد مختلف این نگرش پرداخته است.

### قوانین اساسی و حقوق شهروندی

قانون اساسی در مباحث مربوط به دولت مدرن و حکومت مشروطه از جایگاهی ممتاز برخوردار است. اعلامیه‌های حقوقی و کنوانسیون‌های بین‌المللی در جهت رفع تبعیض، لغو برده‌داری، دفاع از حقوق کودکان و همچنین صیانت از حقوق سالخورده‌گان و مانند آن گامهای مؤثر دیگری در جهت تثبیت حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی و سیاسی دنیای جدید است. سنت تحدید قدرت

در جامعه انگلستان و امضای قرارداد مهمی میان پادشاه و اشراف در اوایل قرن سیزدهم که به منشور کبیر یا "Magna Carta" معروف است در واقع نقطه عطفی در آغاز دفاع از حقوق فردی و امتیازات شهروندی و مشروط نمودن نسبی قدرت مطلق پادشاه محسوب می‌شود. نهایتاً به دنبال انقلاب مشروطه در جامعه انگلستان، حقوق شهروندی به تدریج توسعه یافت. با انقلاب کبیر فرانسه، اعلامیه حقوق بشر و شهروند که به عنوان دیباچه‌ای جهت تدوین قانون اساسی سال ۱۷۹۱ یعنی نخستین قانون اساسی انقلابی مدون در فرانسه و دومین قانون اساسی مدون در جهان (بعد از قانون اساسی آمریکا) مورد تصویب قرار گرفت. اندیشه برابری خواهی و لغو امتیازات خاص و بعضاً تحقیر آمیزی یکی از اهداف مهم انقلاب فرانسه بود.

در مقدمه اعلامیه مزبور آمده بود: «نمایندگان مردم فرانسه که در مجلس ملی گرد هم آمده‌اند، با این باور که عدم شناسایی، فراموشی و تحقیر حقوق انسانها، تنها علل نگون بختی‌های مردم و فساد حکومت می‌باشند، تصمیم گرفتند که حقوق همیشگی و مقدس انسان را در یک منشور رسمی بیان کنند، تا این منشور همواره در پیش روی مسئولان قرار داشته، حقوق و تکالیفشان را به یاد آورد، تا بتوان اعمال قوه مقننه و مجریه را در هر زمان، با هدف نهادهای سیاسی انطباق داد و محترم شمرد و خواسته‌های شهروندان را پیوسته بر اساس اصول ساده و تعرض ناپذیر در جهت حفظ قانون اساسی و خوشبختی همگانی رهبری کرد. اعلامیه حقوق بشر و شهروند سپس سرلوحه قانون اساسی و منشورهای حقوقی فرانسه قرار گرفت و به عنوان الگو بر قوانین اساسی کشورهای اروپایی و در دفاع از حقوق شهروندی سایه افکند. هر چند انقلاب فرانسه و تلاش انقلابیون در جهت برابری امتیازات و حقوق شهروندی و به هم ریختن سنت‌های اجتماعی گذشته مورد انتقاد برخی قرار گرفت، اما مفاد این اعلامیه در قوانین اساسی بعدی فرانسه و دیگر قوانین اساسی اروپایی و سپس کشورهای که با مبارزه با حکومت‌های خود کامه و مطلقه به قانون اساسی به عنوان "میثاق ملی و عمومی" میان حکومت و شهروندان دست یافتند انعکاس یافت. با توجه به اهمیت مفاد این اعلامیه و تعمیم مندرجات و روح حاکم بر آن به قوانین اساسی دیگر کشورها نگاهی اجمالی به مفاد آن در شناخت تاریخ تحول حقوق شهروندی مفید و صائب است.

ماده ۱: انسانها آزاد به دنیا می‌آیند و آزاد می‌زیند و در برابر قانون برابر هستند، امتیازات اجتماعی تنها ناشی از مصلحت عموم است.

ماده ۲: هدف هر جامعه سیاسی، حفظ حقوق طبیعی و زوال ناپذیر بشر می‌باشد. این حقوق عبارتند از: آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ستم.

ماده ۳: ریشه هر حاکمیتی اساساً در ملت است. هیچ هیأت و فردی نمی‌تواند اقتداری را که از ملت نشأت نگرفته باشد اعمال کند.

ماده ۴: آزادی عبارت از قدرت انجام هر گونه عملی است که به دیگری صدمه نزنند. لذا محدوده

اعمال حقوق طبیعی هر انسان، فقط تا آنجاست که استفاده از همین حقوق طبیعی را برای سایر اعضای جامعه تضمین کند. این محدودیت‌ها فقط به وسیله قانون معین می‌شوند. ماده ۵: قانون تنها حق دارد جلوی انجام کارهایی را بگیرد که به حال جامعه زیان‌بخش است، از هیچ عملی که به وسیله قانون منع نشده باشد، نمی‌توان جلوگیری کرد و هیچکس را نمی‌توان به کاری واداشت که قانون امر نکرده باشد.

اعلامیه اولیه عمدتاً ناظر به جنبه‌های حقوقی و سیاسی است و اصول اضافه شده بیشتر با پایه ملاحظات اقتصادی و معیشتی است. اصول کلاسیک اولیه عمدتاً مولود لیبرالیسم قرن هجدهم و فردگرایی حاکم بر آن دوران و اصول دیگر نشأت گرفته از گرایش‌های سوسیالیستی متفکرانی مانند روسو و اندیشه برابری خواهی در جامعه است. در اصول جدید از حق کار، حق آموزش و پرورش رایگان، حق برخورداری از تندرستی و بهداشت، حق فراغت و استراحت، حق تأمین اجتماعی و حق بهزیستی به عنوان حقوق شهروندی یاد شده است. اصول جدید مبین سایه افکندن روح سوسیالیسم بر جامعه فرانسه در دو قرن گذشته است که تا زمان حاضر نیز بیش از سایر کشورهای اروپایی حاکم و تأثیرگذار بوده است. البته ریشه‌های تکوین حقوق شهروندی جدید علاوه بر انقلابهای سیاسی و اجتماعی در انگلستان و فرانسه، مولود انقلاب فکری در دوران جدید است. انقلابی که دارای دستاوردهای گوناگون اعم از مثبت و منفی در ساحت زندگی خصوصی و عمومی بوده است.

## حقوق شهروندی در ایران

قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق شهروندی مدون و منقّحی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیرباز اقلیتهای مختلف مذهبی و قومی روزگار می‌گذراندند و اقلیتهای مذهبی در احوال شخصی نیز تابع مقررات و آئین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه که در ۱۳۲۵ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی با عنوان «حقوق ملت» مهمترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفت.

متمم قانون اساسی مشروطه در عین حال که در اصل اول اشعار می‌داشت «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است و باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.» از حقوق شهروندی یکسان برای تمام مردم و اتباع ایران در مقابل قانون و همچنین حمایت قانون از تمام شهروندان و به تعبیر اصل هشتم متمم «اهالی مملکت ایران» سخن گفته بود. اصول هجده گانه

مندرج در متمم قانون اساسی مشروطه، اصولی مترقی در دفاع از حقوق شهروندی در یک قرن پیش در ایران محسوب می‌شد.

در مورد حقوق شهروندان در متمم قانون اساسی، دو نکته مهم قابل مذاقه و امعان نظر است: نکته اول تأکید بر برخورداری تمام شهروندان ایرانی از حقوق و امتیازات فردی و شهروندی است. بر طبق اصول مزبور اقلیتهای قومی، نژادی، مذهبی و اهل کتاب مانند اکثریت مسلمان و شیعه از امتیازات عمومی حقوق شهروندی برخوردارند. مخاطب واجدان حقوق فردی و شهروندی در متمم قانون اساسی مشروطه تمام مردم و اهالی مملکت ایران شمرده شده است. این نگرش ضمن تطابق با قوانین اساسی جدید کشورهای رها شده از قید استبداد و خودکامگی پادشاهان، ریشه در آموزه‌های دینی و اسلامی داشت. اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته در حقوق اسلامی نیز مانند شهروندان مسلمان نه تنها در پناه جامعه و دولت اسلامی می‌بایست در آسایش و امنیت به سر برند و جان و مال و نوامیس آنان از هر گونه تعرض مصون باشد بلکه می‌توانند به هر شغلی که مایلند و مخالف مصالح عمومی و هنجارشکنی اسلامی نباشد مبادرت ورزند و در احوال شخصی و حل و فصل دعاوی حقوقی فیما بین خود تابع مقررات دین و آئین خود باشند. کلی‌ترین و مهمترین اصل در متمم قانون اساسی مشروطه که با هدایت و نظارت عالمان دینی تنظیم گردیده بود اصل هشتم متمم بود. در اصل مزبور ذکر شده بود: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.» همچنین برای ابلاغ صریح برخورداری همه شهروندان از حقوق فردی شهروندی گاه از واژه «ایرانیان» استفاده شده بود. به عنوان مثال در اصل چهاردهم متمم قانون اساسی مشروطیت آمده بود: «هیچیک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع در اقامت در محلی یا مجبور به اقامت در محلی معین نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.»

نکته دوم حائز اهمیت در حقوق شهروندی در متمم قانون اساسی مشروطیت، جامعیت نسبی آن است. در اصول هجده گانه مربوط به حقوق ملت، مهمترین و کلی‌ترین حقوق شهروندی با رعایت فراگیر بودن و عمومیت مورد ملاحظه واقع شده است و از برخی حقوق و آزادیهای مدنی و سیاسی مانند تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات (آزادی تحزب) نیز سخن به میان آمده است.

### قانون اساسی جمهوری اسلامی و حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ پس از تشریح اصول کلی در فصل اول و بیان زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور، در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته است. مهمترین حقوق شهروندی که البته بیان جزئیات آن با قوانین عادی است در این فصل مورد توجه قرار گرفته است. مهمترین حقوق شهروندی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن مهر تأیید نهاده است به شرح ذیل می‌باشد:



## ۱\_ اصل بر خورداری از حقوق مساوی

در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. این اصل نافی هر گونه امتیازات طبقاتی، قومی و نژادی است. مساوات مندرج در اصل نوزدهم عمدتاً ناظر به مساوات در برابر قانون و برخورداری از حمایت قانونی از تمام آحاد جامعه صرف نظر از پایگاه قومی، طبقاتی و نژادی است. پیروان ادیان توحیدی (اهل کتاب) که قانون اساسی آنها را احصاء کرده است نیز مانند اکثریت مسلمان باید مورد حمایت قانون قرار گیرند و از حقوق شهروندی برخوردار گردند. منظور از حقوق مساوی مندرج در اصل نوزدهم، تساوی حق تمتع نیست. زیرا از نظر قوانین اسلامی برخورداری از حق تمتع برای خود مسلمانان نیز در مواردی مانند ارث و دیات بر اساس جنسیت متفاوت است. همچنانکه برای اقلیتها نیز بر طبق قوانین مربوط به احوال شخصیه نیز گاه حقوق مزبور متفاضل است. روح حاکم بر اصل نوزدهم برخورداری تمام شهروندان به صورت مساوی از حمایت‌های قانونی است. بر همین اساس در این اصل از واژه «مردم ایران» فارغ از نژاد و قومیت و زبان و دین سخن گفته شده است. اصل برخورداری از حقوق مساوی در مقابل قانون که مصادیق آن متنوع و تبیین آن با قوانین عادی است یکی از اصول مهم در حقوق شهروندی به ویژه در دفاع از حقوق اقلیتها در جهان محسوب می‌شود.

در اصل بیستم آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

## ۲\_ اصل امنیت فردی

حق حیات و برخورداری از امنیت و آزادی در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل سی و دوم قانون اساسی ج.ا. آمده است «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم، ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، پرونده مقدماتی برای مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل مطابق قانون مجازات می‌شود.»

اصل امنیت فردی به عنوان یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی با مجموعه‌ای از مقررات دیگر جهت تضمین این اصل تکمیل شده است. به عنوان مثال اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عدم عطف به ما سبق شدن قانون، اصل علنی بودن محاکمات و حضور و کیل در مراحل بازپرسی و دادرسی و رسیدگی به جرائم بزرگ و مهم توسط هیأت منصفه که همگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است.

### ۳\_ اصل مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت

حق آزادی در انتخاب محل سکونت از حقوق شهروندی محسوب می‌شود و انتخاب محل سکونت و نقل و انتقال براساس میل و ارادهٔ افراد علی‌الاصول انجام می‌شود. البته این اصل دارای موارد استثناء نیز می‌باشد. به عنوان مثال مسکن زن شوهر دار تابع انتخاب شوهر و مسکن افرادی که به سن رشد قانونی نرسیده‌اند توسط والدین یا سرپرست قانونی آنان انتخاب می‌گردد. همچنین برخی کارکنان دولتی مجبور به اقامت در محلی معین برای مدت زمانی خاص می‌باشند. افرادی که براساس قانون به تبعید از محل سکونت محکوم شده باشند و یا صرفاً به شهر یا مکان خاص تبعید شده باشند نمی‌توانند در شهرهای دیگر سکنی گزینند. مسکن افراد نیز مصون از تعرض است. در اصل بیست و دوم قانون اساسی ج.ا. گفته شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.»

### ۴\_ اصل عدم تعرض به مکاتبات

اصل تعرض ناپذیری مکاتبات و نامه‌های افراد در جهت صیانت و حمایت از زندگی خصوصی افراد است. این اصل که در جهت حفظ حقوق شهروندی است در اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است. در اصل مزبور چنین آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

### ۵\_ آزادی رفت و آمد

از حقوق به رسمیت شناخته شدهٔ شهروندی در جهان معاصر و قوانین اساسی، آزادی آمد و شد و تردد است. حق عبور و مرور آزاد در داخل کشور و یا خروج از کشور از حقوق شهروندی شناخته شده و مورد تأکید در قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک محسوب می‌شود. این حق نیز به عنوان حقی بدیهی مورد پذیرش قرار گرفته است هر چند در قانون اساسی ج.ا. به آن پرداخته نشده است. البته این حق نیز در همه کشورهای مانند بسیاری از حقوق فردی و شهروندی دارای موارد استثناء است. استثنائات نیز علی‌الاصول مربوط به افرادی است که قانوناً محکوم به اقامت در محلی خاص شده و یا به موجب قانون برای مدتی مجاز به خروج از کشور نباشند.

### ۶\_ اصل آزادی در انتخاب شغل

قانون اساسی در اصل بیست و هفتم مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با

رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

## ۷\_ اصل ممنوعیت تفتیش عقاید

اصل بیست و سوم تفتیش عقاید را به صراحت منع نموده است. در اصل مزبور آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» در مورد آزادی عقیده و آزادی مذهب نیز در قانون اساسی براساس آموزه‌های دینی سه اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم تدوین شده است. در این اصول مذاهب و ادیان به رسمیت شناخته شده اعم از اقلیتهای دینی مسلمان (در ایران) مانند حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و زیدی و همچنین اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته شده در اسلام شامل زردشتی، کلیمی و مسیحی احصا شده و برای همه آنان حقوق شهروندی در نظر گرفته شده است. اقلیتهای مزبور به موجب دو اصل ۱۲ و ۱۳ در انجام مراسم مذهبی و دینی برطبق تعالیم مذهبی خود آزاد و در احوال شخصی برطبق تعالیم و آموزه‌های دینی خود عمل می نمایند. اصل چهاردهم نیز با استناد به آیه‌ای از آیات قرآن مجید خواستار رفتار توأم با اخلاق حسنه و رعایت عدل و انصاف با تمام شهروندان غیرمسلمان از سوی دولت اسلامی شده است.

## ۸\_ حقوق قضائی شهروندی

اصل سی و چهارم قانون اساسی مقرر می دارد که دادخواهی از حقوق مسلم فردی و شهروندی تمام آحاد ملت است. در اصل مذکور آمده است: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را داراست منع کرد. همچنین حق انتخاب و کیل برای طرفین دعوی در همه دادگاهها در اصل سی و پنجم قانون اساسی پیش بینی شده است. این حق نیز مهم و مکمل حقوق قضائی شهروندی است.

اصل برائت که در اصل سی و هفتم قانون اساسی از آن سخن به میان آمده است و کاملاً منطبق با آموزه‌های اسلامی است از دیگر حقوق شهروندی مرتبط با حوزه قضائی است. در اصل سی و هفتم قانون اساسی آمده است: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. منع هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع در اصل سی و هشتم و منع هتک حرکت و توهین به کسی که به موجب قانون دستگیر، بازداشت یا زندانی شده است از اصول مهم و مترقی پیش بینی شده در قانون اساسی و در دفاع از حقوق فردی

و انسانی است. در اصل سی و نهم قانون اساسی متخلفان از رعایت اصل مزبور مجرم و عمل آنان مستوجب مجازات دانسته شده است. قوانین عادی مکمل حقوق شهروندی در ساحت قضائی نیز نباید به گونه‌ای تنظیم شود که با روح و مفاد اصول مزبور مغایر باشد.

### ۹- آزادی آموزش و پرورش

در زمانهای گذشته در بسیاری از کشورها، حق آموزش و تعلم در انحصار طبقات خاص و ممتاز بود. از مصادیق آزادی آموزش و پرورش که در حقوق فردی شهروندی در کشورهای مغرب زمین مورد توجه واقع شده است، آزادی تأسیس مدرسه، آزادی انتخاب مؤسسه آموزشی و حتی آزادی محتوای مطالب آموزش و پرورش است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در بند سوم از اصل سوم، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای تمام شهروندان در تمام سطوح را مقرر نموده است. همچنین تسهیل و تعمیم آموزش عالی در سرلوحه اقدامات دولت قرار داده شده است. همچنین در اصل سی‌ام قانون اساسی دولت مکلف شده است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد.

### ۱۰- آزادی اخبار و اطلاعات

حقوق مربوط به آزادی اخبار و اطلاعات، از مهمترین و عام‌ترین حقوق شهروندی جهت نیل به درست‌ترین و صادقانه‌ترین اطلاعات در خصوص مسائل داخلی و بین‌المللی است. آزادی مطبوعات و ممنوع بودن سانسور از لوازم اصلی تحقق اصل مزبور است. مطبوعات را رکن چهارم نظام دموکراسی یا مردم‌سالار دانسته‌اند. در اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی از آزادی نشریات و مطبوعات جهت اطلاع‌رسانی به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد سخن به میان آمده و تفصیل آن به قوانین عادی مفوض شده است. همچنین در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است: «در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات، طبق موازین اسلامی باید تأمین شود...»

البته حفظ مصالح ملی و اخلاق عمومی از یکسو و رعایت اصل اشاعه اطلاعات گاه با چالشهایی در عمل مواجه است.

### ۱۱- آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

بخش مهمی از حقوق شهروندی در دولت مدرن مربوط به آزادیهای سیاسی و اجتماعی است. آزادیهای سیاسی و اجتماعی در جهان امروز اشکال متنوعی یافته است و قوانین اساسی کشورها و

قوانین عادی مکمل، حدود و ثغور آن را مشخص نموده است. آزادی تحزب، تشکیل اجتماعات و میتینگ‌های سیاسی، آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، انتخابات آزاد و غیرفرمایشی از حقوق سیاسی شهروندی در دوران جدید شمرده شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصولی برخی از مهمترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی را یاد آور شده است. به عنوان مثال در مورد فعالیت آزاد احزاب و آزادیهای سازمانی در اصل بیست و ششم قانون اساسی آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادانه، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و یا اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم قانون اساسی نیز تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها را بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد شمرده است.

## ۱۲\_ اصل حرمت مالکیت

اصل مالکیت یکی از حقوق مهم شهروندی و لازمه رشد و توسعه کشور و اشتغال‌زایی و ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری جهت نیل به پیشرفت محسوب می‌شود. تملک، انتقال و زوال حق بالمعنی الاعمال (مادی و غیرمادی) از ارکان حقوق مدنی است. این اصل، از اصول متقن و اساسی در آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلام و پایه مهم در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی است. اصل حرمت مالکیت مشروع برای تمام شهروندان در قانون اساسی محترم و مقبول شمرده شده است. در اصل چهل و هفتم قانون اساسی آمده است: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند. در اصل چهل و ششم نیز گفته شده است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است. هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید. همچنانکه در اصل چهل و نهم قانون اساسی مسأله مهمی مورد توجه قرار گرفته که در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق اقتصادی شهروندی دارای کاربرد است. اصل مزبور مقرر می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

در دوران معاصر حقوق شهروندی ابعاد گوناگونی یافته و جزئیات بیشتری که مقتضای زندگی در دوران جدید است نیز به آن افزوده شده است. به عنوان مثال حفظ محیط زیست به عنوان بستر زندگی سالم برای شهروندان از وظایف مشترک دولت و عموم شهروندان شمرده شده است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز حفظ محیط زیست و پاسداری از آن به عنوان میراث و سرمایه طبیعی برای شهروندان فعلی و آتی را مورد تأکید قرار داده است. البته حقوق شهروندی

در جهان امروز که مولود تحولات عمده در زندگی بشر به ویژه در دو قرن گذشته است مصادیق جزئی تر نیز یافته است. همچنین اصول مربوط به حقوق شهروندی مانند بسیاری از اصول حقوقی در کشورهای مختلف گاه با استثنائات قانونی و یا چالشهای عملی مواجه است. معمولاً حفظ امنیت و ملاحظه "مصلحت عمومی" یا "حقوق عمومی" از مسائل چالش برانگیز در حقوق فردی و شهروندی است. در قرن بیستم "اعلامیه جهانی حقوق بشر" (۱۹۴۸) و اعلامیه‌ها و کنوانسیونهای دیگر بین‌المللی کوشش نموده‌اند، حقوق شهروندی و حقوق فردی را از جنبه توصیه به جنبه آمریت تبدیل کنند و رعایت مفاد حقوق شهروندی را در میان ملل مختلف تعمیم دهند. البته مجموع اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، معاهدات بین‌المللی یا منطقه‌ای که مستقیماً یا غیر مستقیم مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی است بسیار گسترده و متنوع است. کتاب ارزشمند "Basic Documents on Human Rights" که اخیراً توسط دانشگاه آکسفورد منتشر شده است، مهمترین اسناد مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی را تا زمان انتشار (۲۰۰۲) احصاء نموده است.

### ۱۳\_ حق تابعیت و تغییر آن

یکی از حقوق شهروندی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است، حق برخورداری از تابعیت و همچنین حق تغییر تابعیت است. به عبارت دیگر تغییر تابعیت ملی از مصادیق حقوق بشر در نظامهای حقوقی بزرگ معاصر قلمداد می‌شود. حق داشتن تابعیت در بند یک ماده ۱۵ و ممنوع بودن سلب خودسرانه تابعیت در بند دوم ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید واقع شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل چهارم و یکم مقرر می‌دارد: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

البته باید توجه داشت که ترک تابعیت یاد شده مربوط به تابعیت ملی و جغرافیایی است، زیرا ترک تابعیت دینی و اعتقادی بر اساس آموزه‌های اسلامی جرم تلقی می‌گردد که از آن تعبیر به "ارتداد" (البته با ملاحظه تمام شرایط و جوانب) می‌گردد.

مؤلفه‌های ذکر شده در حوزه حقوق شهروندی ناظر به مهمترین و در مواردی کلی‌ترین و جامع‌ترین مصادیق حقوق فردی شهروندی است. تشریح حقوق شهروندی در ابعاد اجتماعی، قضائی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مستلزم تدوین رساله و تألیفی جامع در این باب می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

حقوق و امتیازات شهروندان در بستر تحولات سیاسی اجتماعی، آدمیزادگان مانند بسیاری از مفاهیم و مؤلفه‌های زندگی بشری تکامل یافته است. در نظامهای کهن حقوقی و سیاسی بارقه‌ها

و آموزه‌های محدودی از حقوق و امتیازات آدمیان به چشم می‌خورد اما باید توجه داشت که این آموزه‌های محدود به دنبال تکامل و بلوغ جامعه بشری دچار تحول و دگرگونی شده است. به طور کلی مفاهیم تبعه، اتباع و حقوق شهروندی از مفاهیم جدید در ادبیات حقوقی و سیاسی است. تحولات سیاسی-اجتماعی جوامع بشری به ویژه در مغرب‌زمین و تحول نظام‌های سیاسی خودکامه به حکومتهای مشروطه و قانونی و تدوین قوانین اساسی و قرار گرفتن حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی کشورها سرآغاز تحولی نو در ضرورت پایبندی حکومتها به رعایت حقوق شهروندان و اتباع در جوامع بشری محسوب می‌شود. کشور ایران با تمدنی کهن و با پیوستگی آمیختگی با تمدن اسلامی و باطی فراز و نشیب‌های گوناگون تاریخی و با داشتن فرهنگی غنی و ممتاز در کمتر از یک قرن، دو انقلاب اجتماعی و سیاسی را جهت تحدید قدرت سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق و امتیازات فردی و اجتماعی و نیل به استقلال تجربه نموده است. انقلاب اسلامی ایران (انقلاب دوم) با صبغه ارزشی تلاش نمود با تدوین و استوار نمودن نهادهای حکومتی و با تدوین قانون اساسی با الهام از آموزه‌های دینی، روابط متقابل میان دولت و شهروندان و حدود اختیارات قوای حکومتی را مشخص سازد. در فصل مربوط به حقوق ملت، امتیازات و حقوق شهروندی در قانون اساسی ملاحظه شده است. البته با توجه به موارد استثنائی که در اصول مندرج در قانون اساسی پیش بینی شده است لازم است با توجه به روح حاکم بر قانون اساسی که در جهت تقویت نهادهای مدنی از یکسو و حفظ حرمت و کرامت انسانها که مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است، قوانین عادی نیز در جهت صیانت از اصول مزبور تدوین یابد.

17- See: "Edmund Burk, Reflections on the Revolution in France, Penguin Press, 1986.

۱۸- قاضی. همان. ص ۶۴۰

19- Rousseau. A Discourse on Inequality. Translated by M.Cranston. London: Penguin Books. 1984: p55

۲۰- برای ملاحظه اجمالی حقوق شهروندی در پرتو حقوق عام بشری در غرب و به دنبال آخرین تحولات رک به:

21- Andrew Clapham, Human Rights, Oxford University Press, 2007.

۲۲- جعفر بوشهری. کلیات و حقوق اساسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۴۹: ص ۳۳۲ به بعد

۲۳- پاتریک ترنبری. حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیتها. ترجمه آزیئا شمشادی و علی‌اکبر آقائی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۷۹: ص ۸۸-۸۷

24- Article 3 Everyone has the right to Life, Liberty and Security of person.

۲۵- هر کس از حق زندگی، آزادی و امنیت فردی برخوردار است.

۲۶- اصل قانونی بودن جرم در اصول سی و ششم و یکصد و شصتم قانون اساسی و اصل عطف به ما سبق نشدن قانون در اصل یکصد و شصت و نهم مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در اصل یکصد و شصت و هشت نیز قانون اساسی ج.ا. حضور هیأت منصفه را صرفاً در جرائم سیاسی و مطبوعاتی قید نموده است. اصل ۱۶۸: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی تعیین می‌کند.»

۲۷- پرادل، ژان. تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی‌حسن نحفی‌ابرنادآبادی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۳۷۳: ص ۳۹ به بعد

۲۸- احمد متین دفتری. حقوق بشر و حمایت‌های بین‌المللی. تهران: چاپ بهمن. ۱۳۴۸: صص ۱۴۰-۱۴۱

۲۹- ناصر کاتوزیان. مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۳: ص ۲۹۸ به بعد

۳۰- اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند یک ماده ۱۷ ضمن به رسمیت شناختن حق مالکیت برای تمام انسانها و شهروندان به صورت فردی یا جمعی در بند سوم همان ماده سلب خودسرانه مالکیت را ممنوع نموده است.

31- Everyone has the right to own property alone as well in association with others.

32- No one shall be arbitrarily deprived of his property.

33- see: Andrew Clapham, Human Rights, Oxford University Press, 2007.

34- Brownlie, I and Goodwin- Gill, G, Basic Documents on Human Rights, Oxford University Press Fourth Edition, 2002.

پی‌نوشت‌ها:

1 -Aristotle, Politics, tra by Ernest Barker, Oxford, The Clarendon Press. 1948:pp.237-259

۲- مجلسی، مولی محمدباقر. بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء. ص ۴۰۵ و غزالی، ابوحامد: ص ۴۳.

۳- قرآن مجید. سوره نحل، آیه ۱۲۴

۴- برای مطالعه بیشتر رعایت حقوق شهروندی و رفتار اخلاقی پیامبر(ص) که مورد تمجید قرآن مجید نیز واقع شده و بسیار فراتر از رعایت حقوق عادی شهروندی است. رک به: فیض کاشانی، مولی حسن، المهجه البيضاء. الجزء الرابع، انتشارات اسلامی. بحارالانوار، جلد ۱۶. همچنین در منابع تاریخی اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، شمائل ترمذی، تاریخ طبری نیز به این رفتارهای اخلاقی و پایبندی به رعایت حقوق همه گروهها و شهروندان و رفتار کریمانه و اخلاقی با آنان پرداخته شده است.

۵- ابن‌اثیر: ص ۲۵۲ و سیره ابن‌هشام: ص ۵۵

۶- امام علی(ع). نهج البلاغه. سیدشریف الرضی. ترجمه عبدالمحمد آینی. ج ۲، ص ۳۲۲ و همچنین شرح نهج البلاغه محمد عبده، جلد سوم، ص ۹۳.

۷- در جلد یازدهم کتاب وسائل اشيعه روایت اندیشه برانگیزی از امام صادق(ع) درباره رفتار امیرالمؤمنین(ع) نسبت به دشمنان حضرت که برای نیل به قدرت و یا انحراف در عقیده در مقابل آن حضرت به جنگ متوسل شده‌اند ذکر شده است. الحرالعالمی، شیخ محمدبن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه، ج ۱۱، بیروت، ص ۶۲.

8- Reformation

9- Sartorius Michael. The Priciple of Liberty. Sussex: Arton Press. 1994.

10- "Man was born free, and he is everywhere in chains." Jean- Jacques Rousseau, Social Contract, Penguin Press, London, 1968. P.49

11- John Lock. Two Treatises of Government. Cambridge: Cambridge University Press. 2005: p. 98

۱۲- البته باید توجه داشت که توماس هابز با تشریح نظریه قرارداد اجتماعی در اثر مشهور خود "لویاتان" به حکومت غیرمشروطه و خودکامه رسید در حالیکه لاک ضمن استوار نمودن نظریه قرارداد اجتماعی بر نیک سرشتی انسان، نظریه حکومت مشروطه یا دموکراتیک را از همان نظریه استنتاج نمود.

13- John Stuart Mill. On Liberty and Utilitarianism. Oxford University Press.

14- J.S.McClelland. History of Western Political Thought. London: Routledg Press. 2003: pp.226-248.

۱۵- الکسی دتوکویل. انقلاب فرانسه و رژیم پیشین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نقره. ۱۳۶۵: ص ۵۴

۱۶- قاضی.. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران:

انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۰، ص ۶۳۸